

کاشمش

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است
■ شنبه ۳۱ مرداد ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰ تومان



تعداد جایگاه‌های سی‌ان‌جی در حال کاهش است



مطالبات فروشگاه‌های کالابریک پرداخت شد



از «فوتبال سرخپوشان» تا امروز «یادداشت»



نسیم شمال

مرغوبترین برنج
و خشکبار ایران

تماس: ۰۹۱۱۲۶۹۰۶۷۸

یادداشت اول

به یاد مولف تاریخ

زبان فارسی

■ احسان مکتبی

اول شهریور ماه سالروز در گذشت استاد دکتر پرویز ناتل خانلری است. پژوهشگر، مترجم، زبان شناس و شاعر ایرانی است، تصحیح او از دیوان حافظ هم یکی از آثار قابل اعتنای ایشان در کنار اثر سه جلدی تاریخ زبان فارسی است. علاوه بر اینها تصحیح کتاب ۵ جلدی سمک عیار از آثار ارزشمند این استاد بزرگ است. خانلری دستی در شعر داشت و اگر چه ادعای شاعری نداشت اما مجموعه ماه در مرداب ایشان نشانه طبع قدر تمند اوست. مثنوی پر مغز و زیبای عقاب در مجموعه ماه در مرداب که گفت و گوی بین عقابی پیر و زاغ را به تصویر کشیده است از قطعات بسیار زیبا و پر مغز در ادب فارسی است. داستان از این قرار است که عقاب پیر شده است و توان اوج گرفتن و شکار در خود نمی بیند، از زاغی که سالهای بی شمار زیسته است می پرسد: چرا عمر شما تا این حد بلند و اما عمر ما تا این حد کوتاه است. زاغ می گوید:

پدر من که پس از سیصد و اند
کان اندرز بد و دانش و پند
بارها گفت که بر چرخ اثیر
باده‌ها راست فراوان تاثیر
هر چه از خاک شوی بالاتر
باد را بیش گزند است و ضرر
ما از آن سال بسی یافته ایم
کز بلندی رخ بر تافته ایم
دیگر این خاصیت مردارست
عمر مردار خوران بسیارست
گند و مردار بهین درمانست
چاره رنج تو زان آسانست و...
در نهایت زاغ نشانی گند زاری را می دهد و خود شروع به تناول از آن مردارها می کند، اما عقاب که:
عمر در اوج فلک برده به سر
دم زده در نفس باد سحر
ابر را دیده به زیر پر خویش
حیوان را همه فرمانبر خویش
سینه کبک و تازرو و تیهو
تازه و گرم شده طعمه او
اینک افتاده بر این لاشه و گند
باید از زاغ بیاموزد پند.....

ادامه در صفحه ۲

تاریخ مطبوعات

در استر آباد و گرگان



مهران مودنی - سه‌شنبه، ۲۷ مرداد ۱۴۰۵، پانزدهمین نشست سرزمین مادری و بیست و چهارمین دورهمی فرهنگی شکل‌سرای فرهنگ و رسانه گلستان با محوریت تاریخ مطبوعات در استرآباد و گرگان، در مجموعه فرهنگی میرداماد برگزار شد. محمود اخوان مهدوی در این نشست، تاریخ مطبوعات گرگان و دشت را از نخستین بازتاب اخبار استرآباد در نشریات دوره قاجار تا شکل‌گیری نشریات محلی در سال‌های پس از انقلاب بررسی کرد و ضمن اشاره به نظام توزیع و اشتراک نشریات در دوره قاجار، نقش مطبوعات در گسترش آگاهی، تجدد و شکل‌گیری جریان‌های فرهنگی استرآباد را زیر ذره‌بین برد.

استرآباد در نشریات دیگر ایالات

محمود اخوان مهدوی درباره بازتاب اخبار استرآباد در نشریات دیگر ایالات ایران در زمان قاجار گفت: مطبوعات در گرگان و دشت خیلی دیرتر از جاهای دیگر پا گرفتند. یعنی زمانی که تمام مناطق پیرامون ما، صاحب نشریه بودند، ما در گرگان و دشت فاقد نشریه بودیم. اخبار استرآباد در

نشریات دوره قاجار شاید از همان دوره اول منعکس می‌شده است. حتی در نشریه «کاغذ اخبار»، که به

مستقل بشویم، فراز و نشیب زیادی را پشت سر گذاشتیم. در دوره قاجار، گیلان صاحب نشریات مختلفی بود. مازندران نیز سابقه تقریباً خوبی در حوزه نشریات دارد. اما گرگان خیلی دیر شروع کرده و بعد از شروعش هم وقفه‌های زیادی وجود داشت. ما در نشریات «وقایع اتفاقیه»، «روزنامه دولت علیه ایران»، «روزنامه ملتی» یا «ملت سینه ایران» و... ستون‌هایی تحت عنوان «اخبار استرآباد» وجود داشت. ولی فقط در حد اخباری که از طرف حکومت استرآباد، توسط مخبرین یا وقایع‌نگارها ارسال می‌شد. شاید نخستین خبر مصور مربوط به استرآباد ذیل اخبار دارالمرز در نشریه «دولت علیه ایران» منتشر شد. این خبر درباره درویشی است که قسم کذب خورده و در نماز آقا سید صادق مجتهد عقیلی از سجده بلند نشد. تصویر آن شخص و امضاء نکردم لکن ا کتفیرت آراء رای میرا مقبول ننمود و بفرود داند ما چطور بهمسم کمدام ورفه سفید داده اند و کمدام کاهشید ملون فرضا هم معلوم شد کی رای داده وکی نداده آیا در

ادامه در صفحه ۴ و ۵

ادامه یادداشت اول

به یاد مولف تاریخ زبان فارسی

آشکار است عقاب اهل چنین بز می نبود زیرا:
یادش آمد که بر آن اوج سپهر

هست پیروزی و زیبایی و مهر
فر و آزادی و فتح و ظفرست
نفس خرم باد سحرست
بال بر هم زد و برجست زجا
گفت کای یار بیخشای مرا
سالها باش و بدین عیش بناز
تو و مردار تو و عمر دراز
من نیم در خور این مهمانی

گند و مردار تو را ارزانی
گر به اوج فلکم باید مرد
عمر در گند به سر نتوان برد....

و در آسمان اوج گرفت و پرواز کرد. این داستان البته تمثیلی برای من و توسست تا بدانیم که کدام زندگی را انتخاب کرده ایم، می توانیم صفات زاغ را در خود مرور کنیم و بسان زاغان زیست کنیم و می

توانیم فضایل عقاب را در خود نهادینه کنیم و چون خردمندان زندگی کنیم، اینکه چون زاغ زندگی کنی یا مانند عقاب، انتخاب ماست و البته هنر انسان ماندن. تا کدام راه را بسپریم. وقتی بگذارید و مثنوی زیبایی عقاب استاد نائل خانلری را بخوانید.

صاحب امتیاز

شهرک‌های آموزشی در حاشیه شهرها ایجاد شود

همچنین بر ضرورت تقویت نیروی انسانی، توسعه زیرساخت‌های انرژی و مسکن و حمایت هدفمند از حوزه آموزش تأکید کرد و گفت: حل مسائل این بخش نیازمند نگاه بلندمدت، برنامه‌ریزی دقیق و همکاری دستگاه‌های مختلف است. استاندار گلستان خاطرنشان کرد: استفاده از ظرفیت مدارس و مؤسسات غیردولتی می‌تواند به ارتقای نظام آموزشی کمک کند و دولت باید با رفع موانع و فراهم کردن زیرساخت‌های لازم، زمینه فعالیت مؤثرتر این مجموعه‌ها را فراهم سازد.

این مسائل با مدیریت و پیگیری مستمر قابل رفع هستند. طهماسبی با اشاره به مشکلات زیرساختی مؤسسات و مدارس غیردولتی، پیشنهاد ایجاد شهرک‌های آموزشی در حاشیه شهرها را مطرح کرد و گفت: همان‌گونه که شهرک‌های صنعتی برای استقرار واحدهای تولیدی ایجاد شده‌اند، می‌توان با پیش‌بینی فضاهای مناسب در فاصله‌ای مشخص از شهرها، شهرک‌های آموزشی ایجاد کرد تا بخشی از مشکلات مؤسسات آموزشی در زمینه فضا، زیرساخت و استقرار ساماندهی شود. وی

ضرورت پیگیری مسائل و مشکلات مزمن استان افزود: بسیاری از مسائل گلستان با پیگیری هدفمند، مستمر و جدی قابل حل است و نباید مشکلات انباشته‌شده، به دلیل طولانی شدن فرآیندها به مسائل حل‌نشده تبدیل شوند. استاندار گلستان همچنین با انتقاد از نگاه‌های کوتاه‌مدت در مدیریت مسائل استان گفت: برخی پروژه‌ها و پرونده‌های قدیمی که سابقه آنها به ۱۸ تا ۳۷ سال می‌رسد، با دقت، حوصله و پیگیری جدی در مسیر حل قرار گرفته‌اند و تجربه نشان داده است که بسیاری از

استاندار گلستان بر ایجاد شهرک‌های آموزشی در حاشیه شهرها که می‌تواند به ساماندهی فعالیت مؤسسات و مدارس غیردولتی کمک کند، تأکید کرد. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی در نشست شورای مؤسسات و مدارس غیردولتی گلستان، آموزش و پرورش را یکی از حوزه‌های راهبردی کشور دانست و اظهار کرد: آموزش و پرورش بار سنگینی از دوش دولت برمی‌دارد و حمایت از این بخش، وظیفه‌ای است که باید با جدیت دنبال شود. وی با تأکید بر

مدار خدمت خارج شدند، گفت: مالکان این جایگاه‌ها به دلیل کم‌شدن سوخت مورد نیاز آن‌ها و در نتیجه کاهش درآمد از ادامه فعالیت منصرف می‌شوند. به گزارش ایرنا؛ ابوالفضل نرسی گفت: شرکت گاز با پرداخت یارانه و کارانه به فعالان این بخش، تلاش می‌کند از تعطیلی جایگاه‌های بیشتر جلوگیری کند تا آسیبی به ارائه خدمات ایجاد نشود. وی افزود: روزانه حدود ۴۵۰ تا ۵۰۰ هزار مترمکعب سی‌ان‌جی در گلستان مصرف می‌شود که این مقدار از امکان افزایش تا ۱۴۵۰ مترمکعب برخوردار است که رسیدن به این هدف به سرمایه‌گذاری بیشتر نیاز دارد. مدیرعامل شرکت گاز گلستان با تأکید بر این که «مصرف بهینه» پاسخگو نیست و باید به «مصرف کمینه» روی آورد، از مردم خواست با کاهش چشمگیر دمای منازل و همراهی با پوش‌های ملی، صنایع و نیروگاه‌ها را در پایداری تولید یاری کنند.

تعداد جایگاه‌های سی‌ان‌جی در حال کاهش است



مدیرعامل شرکت گاز گلستان بدون ارائه آماری از تعداد جایگاه‌های سی‌ان‌جی استان که از

مطالبات فروشگاه‌های کالابریک پرداخت شد



مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان گفت: بر اساس اطلاعات وزارت تعاون،

کار و رفاه اجتماعی، بررسی‌های میدانی و اطلاعات سامانه تا ۱۹ مرداد ۸۰ درصد مطالبات فروشگاه‌های طرف قرارداد طرح کالابریک الکترونیکی در استان پرداخت شد. به گزارش روابط عمومی، ایوب هلاکو اظهار کرد: هفت هزار و ۱۲۲ فروشگاه در گلستان قابلیت اجرای طرح کالابریک را دارند و مطالبات بین ۲ تا چهار هفته به حساب این فروشگاه‌ها واریز می‌شود. وی افزود: بر خلاف دوره‌های قبل، بازه زمانی که برای دریافت کالابریک و مراجعه به فروشگاه‌های طرف قرارداد در نظر گرفته شده برای افراد با آخرین عدد کد ملی صفر، یک و ۲، تا ۱۵ هرماه، افراد با آخرین عدد کد ملی سه، چهار، پنج و ۶ تا ۲۵ ماه و هفت، هشت و ۹ تا پنجم ماه بعد است. مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان از افرادی که در خصوص کالابریک، پیامک احراز سکونت دریافت کردند خواست تا اطلاع بعدی به دفاتر پیشخوان دولت مراجعه نکنند.

آگهی ثبتی

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳- آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱- رأی شماره ۱۳۴۹۶/۰۰۰۳۳۱۲۰۱۰۰۰۳۴۸۳ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۸۳ در صورت تصرفات مفروزی و مالکانه آقای مهدی میرعرب رضی فرزند قاسم مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به دو سهم مشاع از ۱۴ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷/ ۲۰۲۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که متقاضی احدی از وراث مرحوم قاسم میرعرب رضی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۱۶۸۰۵ مورخ ۰۹/۰۵/۱۳۴۹ می باشد.

۲- رأی شماره ۱۳۴۹۴/۰۰۰۳۳۱۲۰۱۰۰۰۳۴۸۱ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۹۰ در صورت تصرفات مفروزی و مالکانه آقای هادی میرعرب رضی فرزند قاسم مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به دو سهم مشاع از ۱۴ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷/ ۲۰۲۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که متقاضی احدی از وراث مرحوم قاسم میرعرب رضی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۱۶۸۰۵ مورخ ۰۹/۰۵/۱۳۴۹ می باشد.

۳- رأی شماره ۱۳۴۹۰/۰۰۰۳۳۱۲۰۱۰۰۰۳۴۷۹ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۸۹ در صورت تصرفات مفروزی و مالکانه آقای حسین میرعرب رضی فرزند قاسم مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به دو سهم مشاع از ۱۴ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷/ ۲۰۲۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که متقاضی احدی از وراث مرحوم

قاسم میرعرب رضی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۱۶۸۰۵ مورخ ۰۵/۰۹/۱۳۴۹ می باشد.

۴- رأی شماره ۱۳۴۸۷/۰۰۰۳۳۱۲۰۱۰۰۰۳۴۸۷ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۹۱ در صورت تصرفات مفروزی و مالکانه آقای کاظمعلی میرعرب رضی فرزند قاسم مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به دو سهم مشاع از ۱۴ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷/ ۲۰۲۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که متقاضی احدی از وراث مرحوم قاسم میرعرب رضی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۱۶۸۰۵ مورخ ۰۵/۰۹/۱۳۴۹ می باشد.

۵- رأی شماره ۱۳۴۸۳/۰۰۰۳۳۱۲۰۱۰۰۰۳۴۸۳ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۸۸ در صورت تصرفات مفروزی و مالکانه آقای نظامعلی میرعرب رضی فرزند قاسم مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به دو سهم مشاع از ۱۴ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷/ ۲۰۲۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که متقاضی احدی از وراث مرحوم قاسم میرعرب رضی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۱۶۸۰۵ مورخ ۰۵/۰۹/۱۳۴۹ می باشد.

۶- رأی شماره ۱۳۴۸۱/۰۰۰۳۳۱۲۰۱۰۰۰۳۴۸۱ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۸۶ در صورت تصرفات مفروزی و مالکانه خانم بی بی خانم میرعرب رضی فرزند قاسم مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به یک سهم مشاع از ۱۴ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷/ ۲۰۲۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که متقاضی احدی از وراث مرحوم قاسم میرعرب رضی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۱۶۸۰۵ مورخ ۰۵/۰۹/۱۳۴۹ می باشد.

۷- رأی شماره ۱۳۴۷۹/۰۰۰۳۳۱۲۰۱۰۰۰۳۴۷۹ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۸۵ در صورت تصرفات مفروزی و مالکانه خانم نجمه میرعرب رضی فرزند قاسم مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به یک سهم مشاع از ۱۴ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷/ ۲۰۲۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان

رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که متقاضی احدی از وراث مرحوم قاسم میرعرب رضی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۱۶۸۰۵ مورخ ۰۵/۰۹/۱۳۴۹ می باشد. ۸- رأی شماره ۱۳۴۷۵/۰۰۰۳۳۱۲۰۱۰۰۰۳۴۷۵ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۸۷ در صورت تصرفات مفروزی و مالکانه خانم سکینه میرعرب رضی فرزند قاسم مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به یک سهم مشاع از ۱۴ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷/ ۲۰۲۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که متقاضی احدی از وراث مرحوم قاسم میرعرب رضی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۱۶۸۰۵ مورخ ۰۵/۰۹/۱۳۴۹ می باشد.

۹- رأی شماره ۱۳۴۷۷/۰۰۰۳۳۱۲۰۱۰۰۰۳۴۷۷ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۸۴ در صورت تصرفات مفروزی و مالکانه خانم فاطمه میرعرب رضی فرزند قاسم مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به یک سهم مشاع از ۱۴ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷/ ۲۰۲۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۷- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که متقاضی احدی از وراث مرحوم قاسم میرعرب رضی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۱۶۸۰۵ مورخ ۰۵/۰۹/۱۳۴۹ می باشد. در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ (شنبه)

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۶ (دوشنبه)

لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان- م الف ۱۰۴۱۶



باشگاه، و دکتر مجید دهنوی، عضو هیئت‌مدیره، قابل توجه است. آنان همراه با دیگر دلسوزان ورزش، الگویی از حمایت مردمی و مدیریتی را شکل دادند که نتیجه‌اش تیمی منسجم، اخلاق‌مدار و عمدتاً بومی بود. خبرگزاری مهر در همان سال‌ها از سرخپوشان گرگان به عنوان «بومی‌ترین تیم لیگ برتر فوتبال بانوان» یاد کرده بود؛ عنوانی که نشان می‌داد موفقیت تیم نه حاصل جذب کوتاه‌مدت ستاره‌ها، بلکه برآمده از پرورش ظرفیت‌های درون‌استانی است. سرخپوشان فقط یک تیم باشگاهی نبود؛ مدرسه‌ای برای پرورش بازیکنان مستعد هم بود. نام‌هایی چون مریم رحیمی، وحیده ایثاری و یوکابد اسلی در گزارش‌های رسانه‌ای به عنوان بازیکنان بومی و ملی‌پوش مرتبط با این تیم دیده می‌شود. حضور آنان در اردوهای تیم ملی، بیانگر آن بود که گلستان می‌تواند از مسیر باشگاه‌داری، بازیکنانی در تراز ملی تربیت کند. در سال‌های بعد نیز حضور دختران گلستانی در اردوهای رده‌های مختلف ملی، از جمله رده نوجوانان، نشان داد که چشمه استعداد در استان خشک نشده است. با این همه، پرسش امروز این است که چرا استانی که زمانی نایب‌قهرمان لیگ برتر بانوان بود، اکنون کمتر در سطح اول فوتبال زنان کشور دیده می‌شود؟

پاسخ را باید در چند عامل به‌هم‌پیوسته جست‌وجو کرد. نخست، نبود پشتیبانی مالی پایدار فوتبال بانوان، بیش از هر چیز، به باشگاه‌داری مستمر نیاز دارد؛ یعنی منابع مشخص برای تمرین، سفر، تجهیزات، کادر فنی، پزشکی ورزشی و پرداخت هزینه‌های فصل تجربه سرخپوشان نشان داد که شور، انگیزه و تعصب به تنهایی کافی نیست. تیمی که اسپانسر پایدار نداشته باشد، حتی اگر بهترین بازیکنان را نیز در اختیار داشته باشد، با فرسایش تدریجی روبه‌رو می‌شود.

عامل دوم، کمبود زیرساخت‌های اختصاصی برای ورزش زنان است. گزارش‌های رسانه‌ای درباره ورزش بانوان گلستان طی سال‌های گذشته، بارها به فقدان سالن اختصاصی، کمبود امکانات، محدودیت زمین و ساعت تمرین، و دشواری‌های استفاده مشترک از فضاهای ورزشی اشاره کرده‌اند. فوتبال زنان برای پیشرفت، فقط به یک زمین نیاز ندارد؛ به محیط تمرینی امن، منظم، استاندارد و در دسترس نیاز دارد. وقتی ورزشکار برای یافتن زمان تمرین یا امکانات اولیه با مانع روبه‌رو باشد، مسیر قهرمانی ناگزیر دشوارتر می‌شود.

سومین عامل، گسست میان استعدادیابی و تیم‌داری

«

از «فوتبال سرخپوشان» تا امروز



مجدید دهنوی

تیم فوتبال سرخپوشان زنان گلستان، تنها یک خاطره ورزشی نیست؛ بخشی از هویت توانمند زنان دیار هیرکان است. روزگاری نه‌چندان دور، نام سرخپوشان گرگان در میان تیم‌های برتر فوتبال بانوان کشور با احترام برده می‌شد؛ تیمی بومی که با اتکا به استعداد دختران گلستانی، مدیریت دلسوزانه و تلاش مجموعه‌ای از علاقه‌مندان ورزش، تا سکوی دوم لیگ برتر فوتبال بانوان ایران پیش رفت. سرخپوشان گرگان در فصل منتهی به نایب‌قهرمانی، با کسب ۱۵ پیروزی، سه شکست و ۴۵ امتیاز، تنها با یک امتیاز اختلاف نسبت به شهرداری بم، عنوان دوم کشور را به دست آورد. این موفقیت، صرفاً یک رتبه در جدول نبود؛ اثباتی بود بر اینکه گلستان، با وجود محدودیت‌های مالی و امکاناتی، می‌تواند در عالی‌ترین سطح فوتبال زنان ایران نقش‌آفرین باشد. در شکل‌گیری آن دوره درخشان، نقش مدیران و حامیانی چون مجید دزینی، مدیرعامل باشگاه، دکتر علی نصیبی، قائم‌مقام

در سال‌های اوج سرخپوشان آرزوی پوشیدن پیراهن این تیم را داشتند، گواهی روشن بر جذابیت و اثرگذاری آن باشگاه بودند. مسئله اصلی، کمبود یک برنامه پایدار و نهادهی برای تبدیل این علاقه و استعداد به موفقیت مستمر است.

بازگشت فوتبال زنان گلستان به جایگاه شایسته خود، دور از دسترس نیست؛ اما نیازمند تصمیم‌های روشن است: تشکیل یا تقویت باشگاهی با پشتوانه مالی مشخص، ایجاد آکادمی فوتبال دختران در گرگان و شهرستان‌ها، اختصاص فضاهای تمرینی مناسب به بانوان، حمایت از مربیان زن، برگزاری لیگ‌های منظم استانی و ایجاد سازوکار ارتباطی میان مدارس، هیئت فوتبال، دانشگاه‌ها و باشگاه‌ها.

سرخپوشان گرگان به ما یادآوری می‌کند که گلستان یک‌بار توانسته است در سطح ملی بدرخشد. آن تجربه، صرفاً افتخاری مربوط به گذشته نیست؛ نقشه راهی برای آینده است. اگر همللی مدیران، حضور حامیان اقتصادی، برنامه‌ریزی هیئت فوتبال و پشتکار دختران ورزشکار دوباره در کنار هم قرار گیرد، فوتبال زنان گلستان می‌تواند بار دیگر از یک خاطره پرافتخار به یک واقعیت زنده و رقابت‌ساز در فوتبال ایران تبدیل شود.

مدرس دانشگاه

حرفه‌ای است. گلستان همچنان در رده‌های پایه ظرفیت دارد. برگزاری مسابقات نوجوانان بانوان کشور در گرگان و حضور تیم‌هایی مانند آرنا گرگان در رقابت‌های رده نوجوانان، نشانه‌ای مثبت از ادامه حیات فوتبال دختران در استان است. با این حال، میان کشف یک استعداد نوجوان و تبدیل او به بازیکن لیگ برتری و ملی‌پوش، حلقه‌های مفقوده‌ای وجود دارد: آکادمی منسجم، مربی‌گری تخصصی، مسابقات منظم، حمایت تحصیلی و خانوادگی، و مهم‌تر از همه، تیم بزرگسالان باثبات.

چهارمین مسئله، ضعف حضور بخش خصوصی و صنایع استان در حمایت از ورزش زنان است. گلستان دارای ظرفیت‌های اقتصادی در کشاورزی، صنایع غذایی، خدمات، گردشگری و تولید است؛ اما این ظرفیت‌ها کمتر به صورت سازمان‌یافته در خدمت ورزش حرفه‌ای بانوان قرار گرفته‌اند. حمایت از فوتبال زنان نباید صرفاً هزینه تلقی شود؛ این حمایت نوعی سرمایه‌گذاری اجتماعی و فرهنگی است. باشگاهی که نام یک بنگاه اقتصادی را در سطح کشور مطرح کند، می‌تواند برای آن مجموعه اعتبار اجتماعی، دیده‌شدن رسانه‌ای و پیوندی مؤثر با جامعه محلی ایجاد کند.

واقعیت این است که فوتبال زنان گلستان نه با کمبود علاقه روبه‌روست و نه با فقدان استعداد. دخترانی که

عکاسان گلستانی پرچمدار مدال آوری رویدادهای جهانی

کریم آبادی از عضویت هزار نفر در انجمن عکاسان گلستان خبر داد و گفت: ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر از آنان عضویت فعال دارند و ۲۵ نفر از آنان با خلق آثار تاثیرگذار موفق به کسب مدال‌های جهانی شدند. وی ادامه داد: دوره‌های مختلف عکاسی به صورت آماتور با دوربین تلفن همراه چه با دوربین‌های حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای به علاقمندان در انجمن آموزش داده می‌شود و سالانه چندین کارگاه عملی عکاسی با حضور اساتید شاخص کشوری برگزار می‌شود و برگزاری نشست‌های نقد عکس هر هفته روزهای چهارشنبه از دیگر برنامه‌های انجمن است. این هنرمند، عکاسی را به اصلاح امروزی‌ها هنر دیگر دیدن دانست و گفت: هر آنچه که مردم عادی کمتر به آن توجه می‌کنند از ساختمان، گل و گیاه، خیابان گرفته تا حوادث تاریخ ساز مانند اجتماعات شبانه مردم برای حمایت از رزمندگان در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی جنایتکار را عکاس با نگاه هنری خود ثبت و تبدیل به یک عکس ماندگار می‌کند تا آیندگان به آن به عنوان یک سند تاریخی استناد کنند. کریم آبادی با تاکید بر تاثیر عکاسی بر جامعه، بیان کرد: وظیفه عکاس ثبت رویدادهای مهم اجتماعی بدون دخالت سلیقه شخصی است به عنوان نمونه نخستین عکس از تهران، عکس از رزمندگان دوران هشت سال دفاع مقدس، تا عکس از لحظه ورود آزادگان به ایران هر کدام به تنهایی معرف بخشی از تاریخ ایران اسلامی است.



ویژه این استان که پرچم ایران را در عرصه جهانی بالا نگه داشتند باشیم تا با انگیزه بیشتری به فعالیت هنری خود ادامه دهند. وی تاکید کرد: باید برای تک تک مردم گلستان افتخار باشد که عکاسان استان در تمام حوزه‌های مهم کشور از دفتر ریاست جمهوری، قوه قضاییه، مجلس تا خبرگزاری‌های معتبر کشوری به عنوان نماینده این دیار مشغول به خدمت هستند و این نشان از جایگاه هنری بالای گلستان دارد.

سال ۱۳۹۰ تاکنون بیش از ۳۵ مدال طلای جهانی را به دست آوردند به عنوان نمونه احمد خطیبی سال ۱۴۰۳ مدال طلای بزرگترین جایزه عکاسی جهانی را بین سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا کسب کرد اما از گفتن یک تبریک از طرف مسوولان دولتی و بخش خصوصی به وی دریغ شد. رییس انجمن عکاسان گلستان بیان کرد: نگاه به هنر در اولویت نخست مسوولان کشور نیست در صورتی که باید قردردان هنرمندان رشته عکاسی به

عکاسان گلستان با وجود پرچمداری مدال آوری جهانی در مقایسه با دیگر هنرمندان این رشته و سایر رشته‌ها از ابتدای انقلاب تا به امروز به گفته رییس انجمن عکاسان استان از سوی هیچ نهاد دولتی یا بخش خصوصی مورد تشویق و قدردانی قرار نگرفتند. به گزارش ایرنا، یحیی کریم آبادی به مناسبت روز جهانی عکاسی اظهارکرد: گلستان تنها استانی در کشور است که عکاسان آن بیشترین مدال طلای جهانی این رشته را دارند و برخی از آنان مانند داوود عامری، احمد خطیبی، محسن کابلی، مهدی تیرانی و محمد عطایی هر کدام به تنهایی مدال‌ها رنگارنگ فراوان بین المللی را در طول فعالیت از آن خود کردند اما بر خلاف ورزشکاران هیچ مراسمی برای تقدیر از آنان برگزار نشد و در سکوت خبری به کشور بازگشتند. وی افزود: با توجه به اینکه عکاسی به نسبت سایر هنرها جامع‌تر است اما از همه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد به عنوان نمونه کل کشور بعد از اطلاع از مدال‌آوری یک کشتی‌گیر در عرصه جهانی برای برگزاری مراسم قدردانی از وی بسیج می‌شوند اما عکاس‌های مطرح جهانی استان گلستان بدون حمایت و فقط به عشق ثبت لحظه‌هایی که در آینده سند تاریخی شناخته می‌شوند صحنه‌هایی که از چشم مردم عادی دور مانده را به عنوان یک اثر هنری به تصویر درمی‌آورند. کریم آبادی با اشاره به اینکه انجمن عکاسان گلستان به عنوان نخستین انجمن این رشته در کشور با مجوز از استانداری از سال ۱۳۹۰ فعالیت خود را آغاز کرد، گفت: عکاسان این انجمن از

ادامه تیر اول

تاریخ مطبوعات در

می‌شد، زمانی که نشریه «نامه قابوس» را منتشر می‌کرد، آن را در «چاپخانه گرگان» به چاپ می‌رساند. چاپخانه گرگان نیز در آن زمان تازه تأسیس شده بود. برخلاف آنچه بسیاری می‌گویند، بنیان‌گذار چاپخانه گرگان آقای احمدعلی ریحانی نبوده است. البته ایشان در تداوم فعالیت چاپخانه گرگان بسیار زحمت کشیدند؛ اما اساساً این چاپخانه زیر نظر نهاد نظامی فعالیت

رئیس معارف استرآباد بود که پیش از آنکه به استرآباد بیاید، در آذربایجان نشریه «مکافات» را منتشر می‌کرد. میرزا غلامرضا ریاضی نیز از چهره‌های بسیار تأثیرگذار بود و در سال ۱۳۰۴ «کلوب پرورش استرآباد» را تأسیس کرد. پیش از آنکه قانون اکابر در کشور تصویب شود، او کلاس اکابر را در استرآباد دایر کرده بود؛ اما متأسفانه در سال ۱۳۰۶ از دنیا رفت و عمرش کفاف نداد که در تحولات بعدی نقشی داشته باشد. میرزا مهدی باقری، معروف به «میرزا باقری»، یکی دیگر از این افراد است. او نخستین نماینده روزنامه «اطلاعات» در گرگان بود. از زمان تأسیس رسمی روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۰۵، میرزا مهدی باقری به دلیل ارتباطی که با عموی آقای مسعودی — که در گرگان ساکن بودند — داشت، به نمایندگی روزنامه اطلاعات درآمد. البته او نمایندگی بسیاری از نشریات دیگر را نیز تا سال‌ها بعد بر عهده داشت. پس از او، پسرش اسد باقری نیز همین فعالیت را ادامه داد. میرزا مهدی باقری در دوره پهلوی اول سفری به تهران داشت. وی پس از بازگشت، تلگرافی برای اصحاب مطبوعات و نشریات در تهران ارسال می‌کند و در آن می‌نویسد که به دلیل ضرورت و عجله مجبور شده است بازگردد و فرصت تشکر از الطاف آنان را نداشته است. وی این تلگراف را برای آنان فرستاده و در پایین آن نیز خود را نماینده و خبرنگار روزنامه یومیه «اطلاعات» معرفی کرده است. تقریباً می‌توان گفت از ابتدای دهه ۱۳۰۰، میرزا مهدی باقری، که در گرگان بیشتر با نام «میرزا باقری» شناخته می‌شود، توزیع نشریات را در این منطقه بر عهده داشته است. او از خانواده‌ای تاجرزاده بود؛ پدر و عموهایش همگی در گرگان تاجر بودند و با نام «باقری» شناخته می‌شدند. خانه تاریخی باقری در محله نعل‌بندان گرگان نیز متعلق به همین خانواده است. میرزا مهدی باقری تقریباً تا سال‌های ۱۳۲۰، توزیع نشریات را به‌صورت انفرادی و شخصاً و تقریباً به شکل انحصاری بر عهده داشت. در بیشتر اسنادی که اکنون در اختیار ماست، نام او به عنوان توزیع‌کننده یا نماینده نشریات مختلف دیده می‌شود؛ از جمله روزنامه «ایران»، روزنامه «اطلاعات»، روزنامه «داد»، «رعد» و بسیاری از نشریات دیگر. «امید ایران» و «کیهان» نیز در میان این نشریات قرار دارند. از زمانی که «کیهان» تأسیس می‌شود، پسر او، اسد باقری، نیز هم نمایندگی «اطلاعات» و هم نمایندگی «کیهان» را بر عهده می‌گیرد. میرزا علی‌اصغر تقی‌اف یا میرزا علی‌اصغر شفیعی نیز از دیگر افراد تأثیرگذار استرآباد در این موج بود. جد وی تقی نام داشت و به همین دلیل به تقی‌اف معروف بوده‌اند. بعدها برخی از اعضای این خانواده نام خانوادگی تقوی را برگزیدند و برخی دیگر نیز، چون جدشان «محمدشفیعی» نام داشته، نام خانوادگی خود را به شفیعی تغییر دادند. میرزا علی‌اصغر در سال ۱۳۰۳ از وزارت معارف درخواست می‌کند که نشریه‌ای با عنوان «جرجان» منتشر کند. پس از مکاتبات، پاسخی به او داده می‌شود مبنی بر اینکه باید نام خانوادگی خود را از تقی‌اف تغییر دهد. او نیز نام خانوادگی خود را از تقی‌اف به شفیعی تغییر می‌دهد و این پیگیری‌ها ادامه پیدا می‌کند؛ اما ظاهراً این نشریه توسط آقای شفیعی منتشر نمی‌شود، زیرا پس از آن نه گزارشی از انتشار آن وجود دارد و نه خود نشریه‌ای از آن پیدا شده است؛ مگر اینکه در آینده سند یا مدرکی پیدا شود و خلاف این نتیجه را ثابت کند.

«نامه قابوس» و آغاز رسمی کار نشریات

اخوان مهدوی درباره آغاز رسمی کار نشریات در استرآباد عنوان کرد: گفتنی است که اولین نشریه‌ای که از چاپ رسمی آن در گرگان مطلع هستیم، نشریه «نامه قابوس» است که در سال ۱۳۱۳ مجوز گرفت. به همین علت است که معتقدیم فاصله زمانی زیادی بین فعالیت نشریات در گرگان با مناطقی مثل گیلان، مازندران و خراسان وجود دارد. نشریه نامه قابوس سال ۱۳۱۴ آغاز به فعالیت کرد. اما پس از انتشار ۳۵ شماره، فعالیت آن در اردیبهشت ۱۳۱۵ متوقف شد. خوشبختانه موسسه میرداماد آرشیو کامل این نشریه را در اختیار دارد. محمدعلی‌خان سپهر که با نام خانوادگی ابهری نیز شناخته

سندی در سازمان اسناد مجلس شورای اسلامی وجود دارد که در آن، به شخصی به نام مولوکوف، خبرنگار روزنامه روسکی‌ایلو در بندرگز، اشاره شده است. نکته جالب این است که در این سند اشاره شده که خود روزنامه نیز به پیوست ارسال شده بود. اما متأسفانه در مجلس، آن روزنامه روسی که در سال ۱۲۹۴ در بندرگز چاپ شده، موجود نیست و فقط همین گزارش باقی مانده است.

ارسال نشریات به استرآباد

اخوان مهدوی در ادامه به ساز و کار ارسال نشریات به استرآباد پرداخت و عنوان کرد: ارسال نشریات هم به چند طریق صورت می‌گرفت. یک شکل آن به این صورت بود که حکومت حکم می‌کرد که برخی افراد باید اجباراً پذیرنده نشریه باشند. تعدادی اشتراک اختیاری هم وجود داشت که اغلب تجار، رجال و صاحب‌منصبان را شامل می‌شد. بعدها نیز نمایندگی‌هایی، یا به تعبیر آن دوره، وکالت‌هایی، در دفاتر نشریات شکل گرفت که مربوط به سال‌های متأخرتر می‌شود. بر اساس فرمان ناصرالدین‌شاه، مستوفی‌الممالک موظف می‌شود بر مبنای تعداد مقرری‌گیران در هر ولایت، تعداد نشریاتی را که آن ولایت باید دریافت کند، تعیین کند. برای مثال، اگر ولایت خراسان ۷۰۰ نفر مقرری‌گیر دولتی داشت، باید مثلاً ۱۳۰ نسخه از «دولت علیه» و «نشریه ملی» و دیگر نشریات را دریافت می‌کرد. دریافت این نشریات اجباری بود و هزینه آن نیز باید پرداخت می‌شد. در فهرستی که مستوفی‌الممالک تهیه کرده و به خط سیاق نیز نوشته شده است، اگر دارالخلافه تهران را کنار بگذاریم، آذربایجان بزرگ، خراسان بزرگ، کرمانشاهان و فارس — که ایالت‌های بسیار بزرگی بودند — بعضاً بیش از صد عضو یا پذیرنده نشریه داشتند. در دسته دوم، گیلان با ۳۵ عضو در رتبه نخست قرار داشت؛ استرآباد با ۳۴ عضو در رتبه دوم بود؛ و پس از آن، مازندران و اصفهان با ۳۰ عضو قرار داشتند. با پایین آمدن در این فهرست، به مناطقی مانند دامغان و سمنان می‌رسیم که در مجموع تنها ۶ روزنامه‌خوان داشتند؛ یعنی افرادی که ملزم به دریافت نشریه بودند. البته این آمار به این معنا نیست که جایگاه فرهنگی استرآباد، برای مثال، در همین حد بوده است. میزان مقرری و مواجی که در استرآباد پرداخت می‌شد، تعیین می‌کرد که چه تعداد از افراد باید نشریه دریافت کنند. اگر آنان هزینه این نشریات را پرداخت نمی‌کردند، مبلغ آن از مقرری‌شان کسر می‌شد. این، در نوع خود، شیوه جالبی برای توزیع نشریات در آن دوره بوده است. سندی تحت عنوان کتابچه مشترکین نشریه فرهنگ وجود دارد که نامی از استرآباد در آن موجود نیست. اما مازندران از جمله مناطقی بوده است که برای حکمران آن، نشریه ارسال می‌شده است. با این حال، در بخش «مشترکین خارجه» این فهرست، از حاجی‌ترخان یا هشترخان، شخصی به نام آقا صفر علی‌اف، تاجر استرآبادی ساکن هشترخان، دیده می‌شود که مشترک این نشریه بوده است. میرزا غلامرضا ریاضی در مقدمه سفرنامه‌اش عنوان می‌کند: سال‌ها بود که کثرت قرائت جراید مرا به مسافرت مرکز مملکت تشویق کرده بود. در ادامه توضیح می‌دهد که همین موضوع سبب شد به تهران برود. هدف او نیز دیدن تربیون مجلس بود و تصمیم داشت پس از بازگشت، سفرنامه‌ای بنویسد؛ تصمیمی که در نهایت عملی شد. بنابراین، اصل سفرنامه‌نویسی او نیز تا حد زیادی تحت تأثیر همین قرائت نشریات شکل گرفته بود.

جریان تجددخواهی در استرآباد

اخوان مهدوی در ادامه، تأثیرات جریان تجددخواهی بر انتشار نشریات در استرآباد را زیر ذره‌بین برد و اظهار داشت: همان‌طور که اشاره کردم، در دوره پس از مشروطه، تقریباً در گیلان، مازندران، اصفهان و بسیاری از شهرهای دیگر، موجی از ترقی و تجدد شکل می‌گیرد. این تحول در استرآباد با اندکی تأخیر اتفاق می‌افتد. یکی از افراد تأثیرگذار استرآباد در این موج، میرزا آقا مکافات مردندی،



البته ناگفته نماند که نخستین فهرستی که

توسط استاد اسدالله معطوفی و در کتاب «تار

می‌کرده است. فرمانده نظامی گرگان، سرهنگ حکیمی، امتیاز این چاپخانه را در اختیار داشت. آقای پارسا و آقای شریفیان نیز در کنار ایشان، یک شرکت تضامنی برای اداره چاپخانه تشکیل می‌دهند. بعدها آقای ریحانی، که در آنجا به عنوان تکنسین چاپخانه فعالیت می‌کرد، چاپخانه را تملک می‌کند و فعالیت آن را با همان عنوان «چاپخانه گرگان» ادامه می‌دهد. در همین زمان که آقای ابهری برای چاپ شماره نخست «نامه قابوس» به چاپخانه مراجعه می‌کند، یکی دیگر از شرکای چاپخانه، شخصی

استر آباد و گرگان

به نام محمد سپاهانی، نیز در آنجا حضور داشت. محمد سپاهانی کارمند اداره برق گرگان بود. آقای دهش، که یک زرتشتی بود و از اصفهان به گرگان آمده بود تا ریاست اداره برق گرگان را بر عهده بگیرد. ایشان آقای محمد سپاهانی را نیز به عنوان تکنسین کارخانه برق با خود به گرگان آورده بود. محمد سپاهانی وقتی می‌بیند که در چاپخانه، نشریه‌ای منتشر شده،



که از نشریات تاریخی گرگان منتشر شد،

ریخ فرهنگ و ادب گرگان» ارائه شده است

تشویق می‌شود با آقای ابهری مذاکره کند. خود او پیش‌تر در اصفهان، همراه با آقای شیدا، نشریه «دانشکده» را منتشر می‌کرد. در نتیجه این مذاکره، از شماره دوم «نامه قابوس» سردبیری نشریه را بر عهده می‌گیرد. ما اتفاقاً در سال ۱۳۹۰، با کمک یکی از دوستان اصفهانی، پسر ایشان، ابراهیم سپاهانی را پیدا کردیم و خدمت ایشان رسیدیم. ایشان در اصفهان، در میدان چهارباغ، کتاب‌فروشی‌ای به نام «کتاب‌فروشی فرهنگ» دارند. نکته جالب این بود که ایشان اطلاع داشتند پدرشان در کارخانه برق

گرگان کار می‌کرد؛ اما اصلاً نمی‌دانستند که پدرشان در گرگان نشریه‌ای نیز منتشر می‌کرد. وقتی تصویر یکی از شماره‌های «نامه قابوس» را که در آن، پدرشان به عنوان سردبیر معرفی شده بود، به ایشان نشان دادم، از این موضوع بسیار تعجب کردند. همان‌طور که عرض کردم، در سال ۱۳۱۵ «نامه قابوس» تعطیل شد. در آبان سال ۱۳۲۱، محمدعلی ابهری اطلاعیه‌ای منتشر کرد و در آن نوشت که قصد دارد در آبان همان سال، یعنی ۱۳۲۱، انتشار «نامه قابوس» را از سر بگیرند، اما این کار به تعویق افتاده است و ان‌شالله، در آذرماه نشریه منتشر خواهد شد. اما پس از آن، دیگر خبری از ادامه فعالیت «نامه قابوس» نیست. بعد از این اطلاعیه، تقریباً هیچ نشانه‌ای از انتشار دوباره آن وجود ندارد. حتی تا سال‌های اخیر، هیچ نشانه‌ای از وجود نسخه‌های این نشریه در دست نبود؛ اما خوشبختانه سرانجام شماره‌های آن پیدا شد و به تدریج جمع‌آوری شد. پس از «نامه قابوس»، نخستین نشریه‌ای که از فعالیت آن اطلاع داریم، «ندای گرگان» یا «گرگان»، «نامه گرگان» یا «ترکمن‌سی» است که در سال ۱۳۲۵ به دو زبان فارسی و ترکمنی منتشر می‌شده است. صاحب‌امتیاز این نشریه آقای احمد قاسمی، رئیس حزب توده گرگان و از چهره‌های تأثیرگذار در سازمان حزب توده کشور، بود و سردبیری آن را نیز آقای یوسف معصوم‌آبادی بر عهده داشت که ایشان هم از چهره‌های فرهنگی این منطقه بود. این نشریه را تقریباً می‌توان نشریه‌ای حرفه‌ای به شمار آورد. فارغ از خط‌مشی آن، با نشریه‌ای حرفه‌ای مواجه هستیم؛ یعنی دیگر شبیه چیزی مانند روزنامه دیواری نیست، بلکه یک روزنامه و نشریه حرفه‌ای بود که ظاهراً یک‌تازی هم می‌کرد. چرا که ما در حوالی آن سال‌ها، اثری از نشریه دیگری پیدا نکردیم. البته ناگفته نماند که نخستین فهرستی که از نشریات تاریخی گرگان منتشر شد، توسط استاد اسدالله معطوفی و در کتاب «تاریخ فرهنگ و ادب گرگان» ارائه شده است. این فهرست نسبتاً دقیق است؛ هرچند در آن زمان بسیاری از این نشریات هنوز اصلاً پیدا نشده بودند و نمونه‌ای از آنها در دست کسی نبود. با این حال، فهرست در نوع خود، به‌جز یکی دو مورد که «گرگانی‌ها» یا «گورگانی‌ها» به اشتباه با این منطقه خلط شدند، در سایر موارد درست است. نام بیشتر نشریاتی که من اینجا معرفی می‌کنم، در همان فهرست اولیه آمده است. بعدها نیز دوست عزیزمان، آقای رحمت‌اله رجایی، کتابچه‌ای در معرفی مطبوعات منتشر کردند که در آنجا نیز این نشریات معرفی شدند. اما همه این موارد در شرایطی ثبت شده‌اند که تا آن زمان، کسی خود این نشریات را ندیده بود و صرفاً نام آنها در منابع باقی مانده بود. احمد قاسمی نیز برای دوره‌ای نسبتاً طولانی با این نشریه همکاری می‌کند. درباره او گفته‌اند که خطابه‌گر بسیار مشهوری بود. حتی اعضای حزب ملیون می‌گفتند که برای یادگیری سخنوری، در سخنرانی‌های احمد قاسمی شرکت می‌کردند. ناگفته نماند که در برخی از نشریات مازندران، که در ساری، آمل، بابل و دیگر شهرهای مازندران امروزی منتشر می‌شدند یک ستون یا حتی یک صفحه به گرگان و دشت اختصاص داشت. از جمله این نشریات، «اثر» به صاحب‌امتیازی آقای میرطاهری است. بسیاری از اخبار منطقه ما، به‌ویژه اخبار ارزشمند مربوط به دوره‌ای که با وجود فاصله تاریخی چندانی با امروز، اسناد زیادی درباره آن در اختیار نداریم، در این نشریه منتشر شده است. «اثر» تعداد شماره‌های بسیار زیادی داشته و برای مدت طولانی به فعالیت خود ادامه داد.

نشریه دیگری هم تحت عنوان «نهضت» در این منطقه منتشر می‌شد. این نشریه نیز سابقه بسیار طولانی دارد و شماره‌های زیادی از آن منتشر شده است. «نهضت» بخش‌هایی از اخبار سراسر گرگان و دشت را پوشش می‌داد و حتی در برخی موارد، اخبار مناطقی را که امروز در محدوده خراسان شمالی قرار دارند، یعنی حکومت بجنورد، نیز تا حدودی پوشش می‌داد.

نشریات گرگان در دوره مصدق

دوره زمامداری دکتر مصدق، از جمله دوره‌هایی بود که اخوان مهدوی به طور ویژه مورد بررسی قرار داد. وی در این‌باره گفت: در اینجا لازم است نکته‌ای را عرض کنم. در دوره مصدق، تقریباً مثل دوره دوم خرداد و دوران آقای خاتمی، مجوزهای بسیاری برای انتشار نشریات صادر شد. بسیاری از این نشریات هرگز منتشر نشدند. مجوزها صادر شده بود، اما بعدها از بخشی از این مجوزها برای آگهی‌ها و تبلیغات انتخاباتی استفاده شد. یکی از جدی‌ترین چهره‌های این دوره آقای تورج آزاد راد است. پدر ایشان رئیس شهرپانی بود و خود ایشان فعالیت مطبوعاتی را به شکلی جدی و با سیاستی خاص دنبال می‌کرد. ایشان شخصاً برای دریافت مجوز اقدام نمی‌کرد، بلکه به سراغ کسانی می‌رفت که پیش‌تر مجوز گرفته بودند اما فعالیت مطبوعاتی نداشتند. آقای هوشنگ شریف‌ها و آقای عزیزاله وحیدصفت از جمله افرادی بودند که آقای آزاد راد برای این امر به آنان مراجعه کرد. او نشریه «قیام شمال» و نشریه «برای شمال» را منتشر کرد. نکته جالب این است که هر دو نشریه در یک روز منتشر می‌شدند و جالب‌تر اینکه در هر دو، آقای تورج آزاد راد به عنوان مؤسس معرفی شده است. «اتحاد تراکمه» یکی از جدی‌ترین نشریات در حوزه ترکمن‌های شرق گرگان و دشت بود. این نشریه متعلق به مجموعه‌ای بود که گروهی از ترکمن‌های منطقه، به سرپرستی آقای عبدالله غفوری، تحت عنوان «اتحاد تراکمه گولکان» تشکیل داده بودند. این گروه در منطقه بجنورد و شرق گرگان فعالیت می‌کرد. آن‌ها در سال ۱۳۳۲ نخستین شماره نشریه خود را منتشر کردند؛ اما پیش از آن، اخبار مربوط به ترکمن‌های گولکان را در قالب اطلاعیه‌های تک‌برگی منتشر می‌کردند.

گسترش فعالیت مطبوعاتی در گرگان

اخوان مهدوی در نهایت فعالیت‌های نشریات گرگان در حد فاصل زمامداری مصدق و انقلاب اسلامی را زیر ذره‌بین برد و افزود: «سالنامه فرهنگ گرگان» در سال ۱۳۳۷ که مرحوم ابوالقاسم امیرلطیفی و مسیح ذبیحی آن را منتشر کردند از جمله نشریاتی بود که در آن سال‌ها منتشر می‌شد. «بولتن پیش‌آهنگی» نیز نشریه‌ای بود که آقای مخیری در سال ۱۳۳۸ منتشر می‌کرد. نشریه جمعیت «شیر و خورشید» نیز آن سال‌ها توسط آقای رنگچی منتشر می‌شد. «جنگ باران» نیز نشریه‌ای بود که توسط آقای پرویز رضایی، مرحوم نصرت علیمی و پرویز کریمی و تحت امتیاز «شمال ایران» منتشر می‌شد. «استرآبادنامه» و «گرگان، سرزمین طلای سفید» دیگر نشریات آن دوران هستند. «استرآبادنامه»، توسط مرحوم مسیح ذبیحی منتشر می‌شد. این نشریه مربوط به آموزش و پرورش بود. «گرگان، سرزمین طلای سفید» نیز متعلق به آموزشگاه عالی جنگل و مرتع بوده و نشریه دیگر، «وضعیت»، متعلق به دبیرستان حافظ سرخنلاته بود. این نشریات، در ارتباط با جشن‌های تاج‌گذاری منتشر شدند. همچنین نخستین نشریه روستایی که ما به آن دست یافتیم، متعلق به روستای محمدآباد و تحت عنوان «ندای ده» است که دهیار روستا در دهه ۱۳۴۰ آن را منتشر می‌کرد. چند شماره از این نشریه موجود است و ساختاری شبیه به روزنامه دیواری دارد. سپس به دوره انقلاب اسلامی می‌رسیم. نشریه «پیام مستضعفین» در این دوره توسط محمدعلی روحانی‌فرد منتشر می‌شد. «ندای ترکمن»، «خبرنامه ترکمن‌صحرا» و «صیادان» که متعلق به «جوانان پیشگام ترکمن» و «معلمان پیشگام» بود نیز نشریات ترکمنی‌ای بودند که در این دوره منتشر می‌شدند.

« آگهی ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای

فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۲۳۵۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم صفر ته کر فرزند کریم به شناسنامه شماره ۱۴۹ کدملی ۴۸۶۹۳۷۹۵۵۴ صادره از شهرستان کلاله در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۵۰۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۳۰ فرعی از ۲۱۵- اصلی واقع در اراضی قریه چکه نیل بخش ۹ شهرستان کلاله خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای / خانم یغمور پایدار محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله- م الف ۱۰۰۶۸

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای

فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۲۳۵۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم عبدالرحیم سبحانی فرزند ابراهیم به شناسنامه شماره ۳۰۴ کدملی ۴۸۶۹۵۷۳۷۲۵ صادره از شهرستان کلاله در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ثبتی ۲۴ فرعی از ۲۱۲- اصلی واقع در قریه قوجمز بخش ۹ حوزه ثبتی کلاله خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای / خانم نقان دزدی عوض پور محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله- م الف ۱۰۰۵۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای

فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۲۳۴۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم عبدالصمد تاتلی فرزند جمعه قلی به شناسنامه شماره ۰ کدملی ۴۸۶۰۰۷۳۰۰۲ صادره از شهرستان کلاله در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۷۱۶۳ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۷ فرعی از ۲۱۵- اصلی قریه چکه نیل بخش ۹ حوزه ثبتی کلاله خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای/خانم جمعه قلی تاتلی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله- م الف ۱۰۰۵۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و

ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۱۸۳۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در

واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم یحیی قلی زاده فرزند قایب گلدی به شناسنامه شماره ۱۴۴ کدملی ۴۸۶۹۶۰۹۲۴۱ صادره از شهرستان کلاله در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۴۷،۹۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ثبتی ۴۵۱ فرعی از ۲۱۳- اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله خریداری بلاواسطه از مالک رسمی آقای/ خانم غایب گلدی قلی زاده محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله- م الف ۱۰۰۴۸

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و

ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۲۴۳۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم جمعه دزدی ارازی گیتی فرزند مرادمحمد به شناسنامه شماره ۱ کدملی ۴۸۶۹۷۸۳۹۵۹ صادره از شهرستان کلاله در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷،۸۳،۳۳ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۲ فرعی از ۲۲۰- اصلی واقع در اراضی قریه صوفیان بخش ۹ شهرستان کلاله خریداری از مالک رسمی آقای/ خانم سهم مشاعی خود متقاضی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله- م الف ۱۰۰۴۵

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و

ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۵۰۱۲۰۰۰۸۶۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم صاحب جان حاجی حسینی فرزند محمد به شناسنامه شماره ۲۷۵ کدملی ۴۸۶۹۳۸۸۳۷۵ صادره از شهرستان کلاله در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۷۵،۲۴ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ثبتی ۱۹۹- اصلی واقع در قریه کوسه بخش ۹ ثبت کلاله خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای / خانم عطاشان عطائی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله- م الف ۱۰۱۱۰

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۴

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱- رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۳۳۸۳ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۱۶۲ برابر رأی شماره ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۱۶۲ تصرفات مفروزی و مالکانه خاتم فاطمه سمیعی پاقلعه فرزند نصراله مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین بنایی احدائی به مساحت ۳۶۹/۵۹ مترمربع در قسمتی از پلاک ۳۲۶۲ فرعی از ۱- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع واسطه از مالک رسمی (آقای حسینعلی نجفی). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت ، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ (چهارشنبه) تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ (شنبه) لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان- م الف ۱۰۱۴۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و

ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۷۰۰۲۸۷۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک آزادشهر پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۷۰۰۰۰۵۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم نیکا زارع گل چشمه فرزند جواد به شناسنامه و کدملی ۲۲۸۵۴۳۹۶۹۵۰ صادره از شیراز در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۵۰۱/۵۰ مترمربع از پلاک ۷/۳۳۴- اصلی واقع دراتوبان آزادشهر- نگین شهر- جاده روستایی- روستای ارازتقان اراضی کشاورزی- بخش ۸ حوزه ثبت ملک آزادشهر متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال مع واسطه ملک از وراثت مالک رسمی مرحوم اسماعیل زارع گل چشمه و حصه مشاعی خود متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در یک نوبت ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ هادی عطائی مقدم- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آزادشهر- م الف: ۱۰۱۵۰

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱- رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۳۳۵۰ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۰۶۲۰۹ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای محسن نصیری سیدکلاته فرزند بهرام مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۲۶۱/۷۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۰۶۹ فرعی از ۱- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک بلاواسطه از مالک رسمی (آقای نصراله قوانلو). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت ، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ (شنبه) تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۶ (دوشنبه) لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان- م الف ۱۰۴۱۴

آگهی مزایده عمومی شماره ۱۰۰۵۰۰۴۱۶۷۰۰۰۰۰۱

و شماره مزایده مرجع ۱۲۸۰

فروش یک دستگاه ساختمان اداری متعلق به کمیته امداد به مشخصات ذیل:

گرگان: عدالت هشتم نبش امداد پنج

کمیته امداد امام خمینی استان گلستان در نظر دارد ملک خود را به شرح مذکور و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده را با بهره مندی از سامانه تدارکات الکترونیکی با شماره مزایده

۱۰۰۵۰۰۴۱۶۷۰۰۰۰۰۱ و شماره سیستمی ۱۲۸۰ به صورت الکترونیک به فروش برساند.

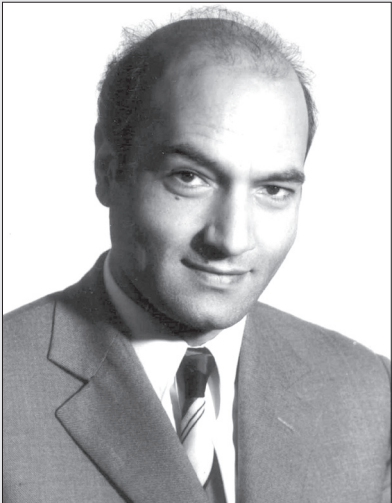
آدرس سامانه ستاد ایران (تدارکات الکترونیک دولت) (www.setadiran.ir)

زمان انتشار در سایت ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ ساعت ۰۸:۰۰ مهلت دریافت اسناد مزایده: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ ساعت ۰۸:۰۰ تاریخ بازدید: از ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ لغایت ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ از ساعت ۰۹ صبح لغایت ۱۲

آخرین مهلت ار سال پیشنهادات قیمت: ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ ساعت ۰۸:۰۰ زمان بازگشایی: ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ ساعت ۰۹:۰۰

شناسه آگهی ۲۲۵۰۵۱۴





در رویارویی خسرو گل سرخی و هم‌راهان برابر دادگاه ارتش یادآوری کرد، جایی که گفت، هم‌چون یک مارکسیست - لنینیست، عدالت اجتماعی را نخست در مکتب اسلام جست‌وجو کرده، سپس به جنبش سوسیالیسم پیوسته است.

شریعتی و جزئی هر دو در روزگاری که زندانی بودند، با نوشتارهای «انسان، اسلام و مکتب‌های مغرب‌زمین» (شریعتی، ۱۳۵۰-۱۳۵۱) و «مارکسیسم اسلامی یا اسلام مارکسیستی» (جزئی، ۱۳۵۱-۱۳۵۲) به روند به هم پیوستن این دو شاخه‌ی مبارزه‌ی اجتماعی واکنش نشان دادند. روشن نیست این چرخش تا چه اندازه زیر بار فشار زندان یا برآمده از نگرش‌های آنان بود.

پیش از آن، هم جزئی روحانیون را در روند اینستادگی رویاروی اصلاحات ارضی و انقلاب سفید ستوده بود، و هم شریعتی در روند بازسازی اسلام مبارز، به هم‌گرایی مایه‌های تاریخی مانی‌گرایی و مارکسیستی با بن‌مایه‌های اندیشه‌های پویای اسلامی که خود آن را اسلام ابوذر و سلمان می‌نامید، روی آورده بود. به درستی دانسته نیست، شاید ساواک پی برده بود که هم‌نهاد نام‌گذاری ارتجاع سیاه و ارتجاع سرخ در سخنان شاه، گسترش جهش‌آسای اندیشه‌ی مبارزه به میان مردم بوده است، از این رو، کوشید سازه‌های این هم‌گرایی را از هم بگسلاند. گرایش دست‌گاه به نشان دادن هم‌گرایی بخشی از نیروهای مذهبی و مارکسیست، بخت آن را فراهم کرده بود که این نیروها در برابر سلطنت به هم‌نویایی برسند. برکنار از این که شریعتی چه کنش‌واکنشی با ساواک داشت، از آن‌جا که تکاپوهای او در چارچوب برنامه‌ی هم‌گرایی، فشار دست‌گاه را در برابر نیروهای ناخشنود به خود آن برمی‌گرداند، از دید بسیاری از ارزیابی‌کنندگان کرد و کار سیاسی شریعتی، یک کنش پیش‌رو و فریبنده بود. از این رو، نمی‌توان او را بخشی از برنامه‌ی ساواک در گستره‌ی سیاسی آن سال‌ها شمرد. واکنش

پسین او در نشانه‌گذاری مرزهای ناپیوستنی اسلام و مارکسیسم نیز تا جایی که در بلندی پیکارگران مذهبی، خواهان داشت، هرچند گونه‌ای واپس‌گرایی از آن دیدگاه پیش‌رو، اما تکاپویی بیرون از چارچوب وابستگی به دست‌گاه شناخته شد. شریعتی تنها بسته‌ای گردآمده از باورها و نوشته‌ها نبود؛ شیوه‌ی بودن اجتماعی او نیز بخشی از کنش او بود. در این شیوه، آگاهی‌های هم‌بسته با زندگی، دانش‌آموختگی، سرآغازهای اندیشه، بستگی‌های سیاسی و نیز مرگ او در شبکه‌ای از تیرگی، ناپدیدسازی، نشانه‌گذاری و گزارش‌های چندگانه جای می‌گیرد. این «تندگی راز» را نباید ناگزیر نشانه‌ی پنهان‌کاری یا فریب گرفت؛ بلکه باید آن را هم‌چون یکی از پیش‌پایست‌هایی دید که کنش گفتاری و اجتماعی شریعتی درون آن کار می‌کرد. از این دیدگاه، در جایی که نمی‌توان به انگیزه‌های درونی کنش‌گر پی برد، می‌توان به کارکرد و برآیند اجتماعی کنش او نگریست.

در پویه‌ی زبان فارسی

گزیده‌ی یادداشت‌ها در فرهنگ، زبان و ادبیات
@OnPersianLanguage

شهریور ۱۳۴۳ آزاد شد. این آزادی هم می‌توانست نشانه‌ای از ساخت و پاخت با آن سازمان باشد، هم این که، یک تله‌گذاری برای شناسایی دامنه‌ی پیوندها و پیوستگی‌های او، ساواک در هر دو زمینه از پیشینه‌ی چشم‌گیر کام‌یابی برخوردار بود. سال ۱۳۴۴ دانش‌گاه مشهد، پس از کش‌مکش‌ها سرانجام درخواست شریعتی را برای پیوستن به گروه تاریخ پذیرفت. از دید پوران شریعت رضوی، «نیاز مبرم به استاد»، و توانایی شریعتی در کار با جوانان گرایش‌یافته به کمونیسم و برگرداندن آنان به مذهب، دانش‌گاه را با پذیرش شریعتی هم‌راه ساخت، اما بر پایه‌ی روندی که در آن سال‌ها دنبال می‌شد و مهرداد بهار آن را بازگو کرده است، بهای پذیرش درخواست کسان با پیشینه‌ی کنش سیاسی و اینستادگی در برابر سلطنت، هم‌کاری با ساواک بود. مهرداد بهار می‌گوید هنگامی که کار پیوستن او به گروه زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی پایان یافته بود، ساواک از او خواست: «چیزی بنویسد که هر اطلاعاتی راجع به فعالیت‌های ضد حکومت داشته باشم برای شما خواهم نوشت»، او این درخواست را نپذیرفت و از پیوستن به دانش‌کده‌ی ادبیات بازماند. اگر این درخواست برآمده از روش سازمانی ساواک بوده باشد، شریعتی نمی‌توانست بی‌آن که واکنش هم‌آهنگی نشان دهد به گروه تاریخ راه یابد. در این بخش از زندگی شریعتی با گسترده‌ترین تندگی راز رویه‌رو می‌شویم. شریعتی هرگز در این باره سخنی نگفت، پوران شریعت رضوی نیز مانند هم‌سرش دم فروبست، تا گزارش‌ها در برابر آینه‌های خرّج سنجش‌گر، ساز و ستیزهای خود را آشکار کنند.

از نگاهی دیگر

کنش‌واکنش شریعتی در برابر ساواک، یک پرونده ناگشوده است. آن‌چه به نام گزارش‌های ساواک گردآوری و به چاپ رسیده است، تنها بخش گردآوری آگاهی‌های ریز و پراکنده از تکاپوهای شریعتی را بازتاب می‌دهد. در رده‌ی دیگری از گزارش‌ها برای نمونه، سخنان پرویز ثابتی درباره‌ی دیدارش با او پیش از رفتن به فرانسه، روشن نمی‌کند که بر سر چه چیزهایی با هم به هم‌آهنگی رسیده بودند. این پرسش نیز افزونی است که شریعتی با آن که می‌دانست نزد ساواک شناخته است، چرا هنگام بازگشت به ایران، اعلامیه و یادداشت‌های سیاسی با خود آورد؟ ثابتی بی‌آن که روشن کند چرا کسی با پیشینه‌ی شریعتی را پس از آن که در مرز دست‌گیر شده بود، آزاد کردند و پیوستن او را به دانش‌گاه روا دانستند، می‌گوید سخنان او در رویارویی با مارکسیست‌ها و آخوندهای قشری با خواسته‌های ساواک هم‌سویی داشت، اما هم‌این که به بازسازی اسلام مبارز و ایستاده در برابر دست‌گاه سلطنت رسید، نام او به سیاه‌ی پایش ساواک افزوده شد (در دامگه حادثه، صص ۲۷۹-۲۸۰).

ارتجاع سرخ و سیاه

شاه ایران در کوران پیش‌برد برنامه‌ی اصلاحات ارضی، آن‌گاه که با اینستادگی ناخشنودان سیاسی رویه‌رو شد، آنان را ارتجاع سیاه و ارتجاع سرخ نام‌گذاری کرد و از به‌هم پیوستن آنان گفت. این سخنان به جای آن که چونان نیرویی در برابر نزدیکی آنان کار کند، مارکسیست‌های ایرانی را از یک سرمایه‌ی اجتماعی نادیده مانده آگاه کرد. جزئی در تحلیل وقایع سی ساله از به میان آمدن روحانیت «با شعارهایی که از یک‌سو محتوای کهنه و قشری و از سوی دیگر محتوای ضد دیکتاتوری داشت» سخن گفت و در روند بازشناسی کنش سیاسی آنان، زمینه‌های شکاف میان جناح مترقی و جناح واپس‌نگر روحانیت را بر پایه‌ی جدایی از مردم و ایستادن برابر انقلاب نشانه‌گذاری کرد.

دیدگاه نزدیکی میان نیروهای مذهبی و مارکسیسم، تا جایی که به کنش آنان در برابر سلطنت نیرو می‌بخشید، از سوی دو گروه پذیرفته بود. با روشن شدن دیدگاه مجاهدین خلق که در پی به‌هم آمیختن مایه‌های برگرفته از فرهنگ اسلامی و روش مبارزه‌ی مارکسیستی بودند، این نزدیکی با شکاف بزرگی رویه‌رو شد. شاید بتوان بالاترین نمود این دیدگاه را

تعیین نکردند که چه باید بخواند.» این کار شریعتی را میان گزینه‌های خواندن ادبیات یا جامعه‌شناسی سرگردان کرد.

در آن روزها، بیش از نیم سده از راه‌اندازی رشته‌ی جامعه‌شناسی نمی‌گذشت، و راه‌یافتن به دکتری این رشته، آن‌هم برای دانش‌جویان کشورهای بیگانه که از رشته‌های دیگری آمده بودند، آسان نبود. در سال‌های میان دو جنگ، غلام‌حسین صدیقی نیز که به پاریس رفته بود، پایان‌نامه‌ی دانش‌آموختگی دکتری خود را در یکی از رشته‌های ادبیات به پایان رساند (پایان‌نامه‌ی او در سیاه‌ی تزه‌ای دانش‌کده‌ی ادبیات در فرانسه از سده‌ی هجدهم تا ۱۹۴۰، در رشته‌ی ادبیات رده‌بندی شده است، نه جامعه‌شناسی)، و در برگ دانش‌آموختگی او هیچ نشانی از «جامعه‌شناسی» دیده نمی‌شود، اما در ایران او را نخستین دانش‌آموخته‌ی جامعه‌شناسی از پاریس می‌شناسند. شاید! نهاد هم‌بسته در ایران، کار او را در هم‌آهنگی با رشته‌ی نوین جامعه‌شناسی ارزش‌یابی کرده بود. کم‌تر از بیست سال پس از صدیقی، شریعتی نیز به هم‌این راه رفت.

علی رهنما می‌نویسد: لا‌زار کار روی کتاب فضائل بلخ را به شریعتی پیش‌نهاد کرد، اما به زودی دریافت که شریعتی هیچ دل‌بستگی به این کار ندارد. آن‌چه او دوست داشت به کار لا‌زار نمی‌آمد؛ و آن‌چه لا‌زار می‌خواست با دل‌بستگی‌های شریعتی هم‌خوان نبود (مسلمانی در ...، صص ۱۷۴). شریعت رضوی با یادآوری دل‌بستگی ژرف شریعتی به خواندن و فراگیری گسترده، نوشته است: او هم در دبیرستان و هم دانش‌سرا تنها به دنبال گرفتن برگ دانش‌آموختگی بود، و هرگز یادگیری خود را در چارچوب برنامه‌های آموزشی کوتاه نمی‌کرد (طرحی از ...، صص ۶۸). جلال متینی نیز یادآوری کرده است، شریعتی با آن‌چه در چننه داشت، یا از پدر خویش آموخته بود، اگر می‌خواست می‌توانست پایان‌نامه‌ی بسیار به‌تری بنویسد (دکتر علی شریعتی...، ایران‌شناسی، س ۵، صص ۸۴۹).

شریعتی در دیباچه‌ی پایان‌نامه‌ی خود نوشته است: «در این کتاب با ارائه‌ی گزارشی از سیره‌ی پارسیان و علمای بلخ ...» این نوشته با پایین‌ترین ارزش‌یابی پذیرفته شد (رهنما، صص ۱۷۵).

در چارچوب فرآیند نام‌گذاری شده، شریعت رضوی، آگاه از همه‌ی روندها با یادآوری پیشینه‌ی یک «دوست و هم‌دوره‌ی تحصیلی علی در فرانسه» از زبان غلام‌عباس توسلی نوشت: «در اینجا مطالعات اسلام‌شناسی بطور عموم و جامعه‌شناسی بالاخص نظر او را جلب کرد و حتی به صورت کلاسیک به تحصیل آن پرداخت» (صص ۶۹).

شریعت رضوی، بار دیگر، هنگام یادآوری توانایی شریعتی در نوشتن پایان‌نامه‌ای به گونه‌ی دیگر، در پانویست از «رساله‌ی دکترای ادبی ... یعنی تصحیح و ترجمه و تحشیه متن ادبی تاریخی فضائل بلخ» سخن گفت (صص ۷۸). پیش از آن، محمدمتقی شریعتی در گفت‌وگو با کیهان فرهنگی، گفته بود: علی ۶۵ سال در فرانسه ماند و دو دکتر گرفت، تاریخ اسلام و جامعه‌شناسی اسلامی (بهمن ۱۳۳۳، صص ۱۷). تندگی راز به اندازه‌ی گسترده بود که حتی پدر و استاد شریعتی نمی‌دانست او در چه رشته‌ای دانش‌آموخته شده است. یان ریشار نوشت: «در فرانسه به تحصیل تاریخ و جامعه‌شناسی ادیان پرداخت، ... موضوع تز خود را نه در این زمینه‌ها، بلکه در زمینه‌ی زبان‌شناسی تطبیقی فارسی نوشت» (کیهان فرهنگی، خرداد ۱۳۶۴، صص ۳۲)، گزارش ریشار نیز با یادآوری خود شریعتی و گواهی دانش‌گاه نمی‌خواند.

کنش‌واکنش با ساواک

بسیار ساده‌بینانه است که کنش شریعتی را در برابر ساواک، گونه‌ای وابستگی یا سرسپردگی به آن سازمان بدانیم، هرچند همه‌ی گزارش‌ها و نشانه‌ها به سود این دریافت بازآرایی شده‌اند. بر پایه‌ی گزارش ساواک می‌دانیم او هنگام بازگشت به ایران با خود «مقداری اعلامیه مضره» آورده بود (طرحی از، صص ۲۷۴). شریعتی در مرز بازداشت و پس از چند ماه در

«

علی شریعتی و تندگی راز گرداگرد یک زندگی

هادی راشد

تاریخ‌گذاری یک مرگ

در داستان شانل با این پرسش رویه‌رو می‌شویم که تاریخ‌گذاری شریعتی از مرگ «شانل» (۲۸ فوریه ۱۹۶۷، م. ۱۳، ۱۳۳۷، صص ۳۳۸)، یک «نشانه» و «نماد» است، یا یک راز؟ نماد مانند شکوفه، باز می‌شود، اما راز در خود بسته می‌ماند. آیا شریعتی در پیوستن به دانش‌کده‌ی ادبیات، نشانه‌های خاموشی شمع درون خود را دیده بود؟ آیا نزدیکی این تاریخ‌گذاری با روز مرگ راه‌نمای بزرگ او، محمد مصدق، یک رخ‌داد نااندیشیده بود، یا او آگاهانه خواست این نزدیکی را یادآوری کند؟

شریعتی و راز

نشانه‌های تندین راز گرداگرد خود در زندگی شریعتی بارها دیده شده است. تندین راز به معنای پنهان کردن و نگفتن چیزی نیست، نمایش پنهان بودگی است. شریعتی گاه با شیوه‌ی بازنمایی، کنار گذاشتن، نام‌گذاری و گزارش کردن، جای‌گاهی پدید می‌آورد که در آن، چیزی «پنهان» گذاشته می‌شود. اگر از چشم خواننده نگاه کنیم، راز، گونه‌ای پیکربندی اجتماعی‌شده‌ی نادانستگی است. نمونه‌ی دیرینه‌ی این فراگرد در زندگی شریعتی، نام خودگزین «شمع» است. شمع نماد آشکارسازی است: سوختن و کاهش یافتن. شمع با روشنایی خود، پنهان بودگی راز سوختن و کاهش یافتن را آشکار می‌کند: «پرد نتواند نهفتن راز شمع». راز شمع، در ناگفته ماندن خود آشکار می‌شود.

نمونه‌ی دیگر تلاش شریعتی و خانواده‌ی او، پنهان کردن و رازآمیز کردن «دانش‌آموختگی» اوست. آگاه‌ترین کسی که می‌توانست درباره‌ی این بخش چیزی بگوید، خود شریعتی بود. اما او جایی که درباره‌ی آموخته‌های پاریس سخن می‌گوید، از تنها چیزی که سخنی نمی‌گوید، روند دانش‌آموختگی است. از این دیدگاه، کارکرد سخنان او، تندین راز گرداگرد این رخ‌داد است. دیگران نیز با نوشتن درباره‌ی زندگی شریعتی هم‌این روند را بازنمایی کرده‌اند. نمودهای دیگر تندگی راز، چگونگی کنش‌واکنش با ساواک و بازتاب مرگ او است.

از ادبیات فارسی به Hagiology

پس از علی شریعتی، کسی که می‌توانست از این روند آگاهی بدهد، پوران شریعت رضوی بود. او نوشت، شریعتی برای آموختن جامعه‌شناسی به پاریس رفت، اما پس از آن دریافت که باید دکتری‌اش را در هم‌آن رشته‌ی کارشناسی، یعنی ادبیات فارسی دنبال کند. با راه‌اندازی رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی در مشهد، شریعتی دانش‌جوی نخستین دوره‌ی آن بود. برنامه‌ی وزارت فرهنگ این بود که دانش‌جویان برگزیده را برای گذراندن رده‌ی دکتری به دانش‌گاه‌های پیش‌رفته‌تری بفرستد. جلال متینی یادآوری کرده است که از سر شتاب‌زدگی یا آسان‌گیری، «دانشگاه مشهد و دیگر تشکیلات دولتی مسیر آینده‌ی بورسیه‌ی خود را

پشت پرده ریزش مو در نوجوانان؛ مقصر کیست؟

کم خوابی و خستگی مزمن

بسیاری از نوجوانان به دلیل استفاده طولانی از تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی یا درس خواندن تا دیروقت، خواب کافی ندارند. کمبود خواب می‌تواند سطح هورمون‌های استرس را افزایش داده و روند بازسازی سلول‌های بدن را مختل کند. خواب مناسب نه تنها برای رشد جسمی و ذهنی ضروری است، بلکه نقش مهمی در سلامت پوست و مو نیز دارد. به همین دلیل داشتن برنامه خواب منظم یکی از ساده‌ترین راهکارها برای حفظ سلامت موها محسوب می‌شود.

مشکلات پوست سر را نادیده نگیرید

گاهی منشأ ریزش مو نه در خود مو، بلکه در پوست سر قرار دارد. شوره شدید، التهاب، خارش مداوم یا عفونت‌های قارچی می‌توانند محیط طبیعی رشد مو را مختل کنند. برخی نوجوانان تصور می‌کنند شوره سر فقط یک مشکل ظاهری است، در حالی که در موارد شدید می‌تواند باعث التهاب پوست سر و افزایش ریزش مو شود. درمان به‌موقع این مشکلات معمولاً به کاهش ریزش و بهبود سلامت مو کمک می‌کند.

نقش ژنتیک در ریزش زودرس مو

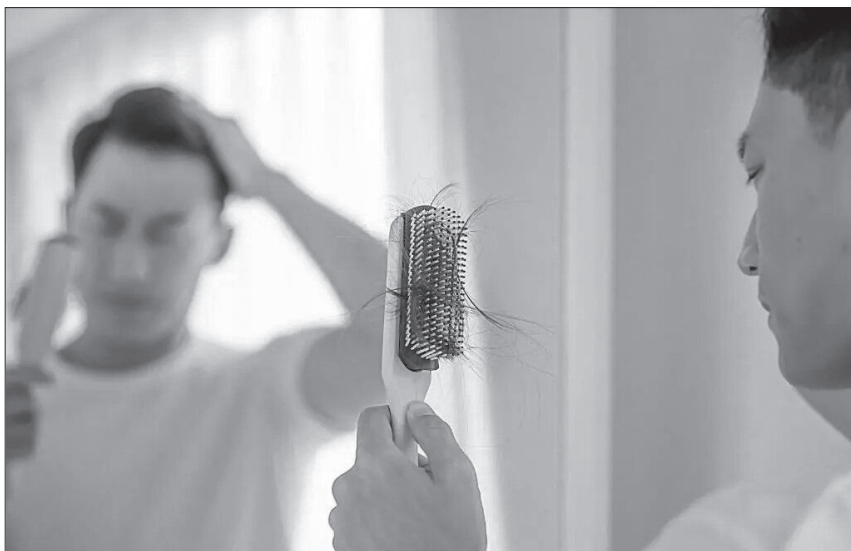
در برخی موارد، سابقه خانوادگی نقش مهمی در ریزش مو دارد. اگر پدر، مادر یا بستگان نزدیک فرد سابقه طاسی یا کم‌پشتی مو داشته باشند، احتمال بروز ریزش مو ارثی بیشتر می‌شود. ریزش موی ژنتیکی معمولاً به صورت تدریجی پیشرفت می‌کند و برخلاف ریزش‌های ناگهانی، طی ماه‌ها یا سال‌ها خود را نشان می‌دهد. تشخیص زودهنگام می‌تواند به کنترل بهتر روند آن کمک کند.

چه زمانی باید ریزش مو را جدی گرفت؟

اگرچه بسیاری از موارد ریزش مو در نوجوانان موقتی و قابل درمان هستند، اما برخی نشانه‌ها نیاز به مراجعه به پزشک دارند. ریزش شدید و ناگهانی مو، ریزش همراه با خارش و التهاب شدید پوست سر، ایجاد نواحی گرد و بدون مو (ریزش موی سکه‌ای) یا ادامه یافتن ریزش برای چند ماه از جمله مواردی هستند که نباید نادیده گرفته شوند. همچنین اگر ریزش مو با علائمی مانند خستگی شدید، کاهش وزن غیرعادی یا مشکلات پوستی همراه باشد، بررسی‌های پزشکی ضروری خواهد بود.

مراقبت آگاهانه بهترین راه حفظ سلامت مو

ریزش مو در نوجوانی همیشه نشانه یک بیماری جدی نیست، اما پیامی از سوی بدن است که نباید نادیده گرفته شود. تغذیه مناسب، خواب کافی، مدیریت استرس، پرهیز از آسیب‌های فیزیکی به مو و توجه به سلامت پوست سر می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری از بسیاری از انواع ریزش مو داشته باشند. در عین حال، مراجعه به پزشک در صورت مشاهده علائم هشداردهنده، از پیشرفت مشکلات احتمالی جلوگیری می‌کند. آگاهی و رسیدگی به موقع، مهم‌ترین گام برای حفظ سلامت موها در این دوره حساس از زندگی است.



وقتی بدن با کمبود انرژی مواجه می‌شود، منابع خود را به سمت اندام‌های

حیاتی هدایت می‌کند و رشد مو در اولویت پایین‌تری قرار می‌گیرد

جلوگیری شود.

طوفان هورمونی دوران بلوغ

بلوغ یکی از مهم‌ترین مراحل رشد انسان است و بدن در این دوره دستخوش تغییرات گسترده هورمونی می‌شود. این تغییرات نه تنها روی قد، وزن و ویژگی‌های ظاهری اثر می‌گذارند، بلکه می‌توانند چرخه طبیعی رشد مو را نیز تغییر دهند. در برخی نوجوانان، افزایش یا تغییر سطح هورمون‌ها باعث می‌شود تعداد بیشتری از موها وارد فاز استراحت شوند. در نتیجه مدتی بعد ریزش مو افزایش پیدا می‌کند. خوشبختانه این وضعیت در بسیاری از موارد موقتی است و پس از تثبیت شرایط هورمونی، رشد مو به حالت طبیعی بازمی‌گردد.

نازک شدن موقت موها

گاهی نوجوانان احساس می‌کنند حجم موهایشان کمتر شده است. در بسیاری از موارد علت این موضوع نازک شدن تارهای مو به دلیل تغییرات هورمونی است، نه از بین رفتن دائمی فولیکول‌ها. این تغییر معمولاً با گذر زمان و رعایت تغذیه مناسب بهبود پیدا می‌کند، اما اگر روند نازک شدن مو ادامه‌دار باشد، بهتر است توسط متخصص پوست و مو بررسی شود.

استرس عامل پنهان اما قدرتمند

نوجوانی علاوه بر تغییرات جسمی، دوره‌ای پر از چالش‌های روحی و روانی است. فشارهای درسی، امتحانات، نگرانی درباره آینده، مشکلات خانوادگی یا روابط اجتماعی می‌توانند سطح استرس را افزایش دهند. استرس شدید قادر است چرخه رشد مو را برهم بزند و تعداد زیادی از موها را به طور همزمان وارد فاز ریزش کند. نکته مهم این است که اثر استرس معمولاً بلافاصله ظاهر نمی‌شود و ممکن است چند هفته یا حتی چند ماه پس از یک دوره پرتنش مشاهده شود.

نقش ویتامین‌ها و مواد معدنی در سلامت مو

علاوه بر آهن، کمبود روی، ویتامین D و ویتامین‌های گروه B نیز می‌تواند سلامت مو را تحت تأثیر قرار دهد. این مواد مغذی در ساخت سلول‌های جدید، تولید پروتئین‌های مو و حفظ سلامت پوست سر نقش دارند. مصرف منابع غذایی مانند گوشت، ماهی، تخم‌مرغ، حبوبات، لبنیات، مغزها و سبزیجات می‌تواند بخش مهمی از نیاز بدن را تأمین کند. البته در صورت وجود کمبود شدید، تشخیص و تجویز مکمل باید زیر نظر پزشک انجام شود.

وقتی ابزارهای زیبایی به مو آسیب

می‌زنند تمایل به آراستگی در دوران نوجوانی کاملاً طبیعی است، اما گاهی برخی روش‌های زیبایی به مو آسیب می‌رسانند. استفاده مداوم از اتو مو، بابلیس یا سشوار با حرارت بالا می‌تواند ساقه مو را ضعیف و شکننده کند. حرارت زیاد باعث از بین رفتن رطوبت طبیعی مو می‌شود و در نتیجه موها خشک، نازک و مستعد شکستگی خواهند شد. بسیاری از نوجوانان این شکستگی را با ریزش مو اشتباه می‌گیرند، در حالی که در واقع ساقه مو در اثر آسیب فیزیکی از بین می‌رود.

بستن محکم مو، عادت ظاهراً بی‌خطر

مدل‌هایی مانند دم‌اسبی سفت یا بافت‌های بسیار محکم اگر به صورت مداوم استفاده شوند، می‌توانند به فولیکول‌های مو فشار وارد کنند. این وضعیت که در پزشکی «ریزش موی کششی» نام دارد، در صورت ادامه یافتن حتی ممکن است به آسیب دائمی برخی فولیکول‌ها منجر شود. کارشناسان توصیه می‌کنند موها به طور مرتب با مدل‌های مختلف بسته شوند و از ایجاد کشش دائمی در یک ناحیه از پوست سر

ریزش مو در نوجوانی می‌تواند نگرانی‌های زیادی برای نوجوانان و خانواده‌ها ایجاد کند، اما این مشکل همیشه به یک عامل خاص محدود نمی‌شود. شناخت علت‌های پنهان این مسئله، نخستین گام برای پیشگیری و درمان به‌موقع آن است. به گزارش ایرنا زندگی، ریزش چند تار مو هنگام شانه زدن، استحمام یا حتی روی بالش پدیده‌ای طبیعی است و متخصصان معتقدند از دست دادن حدود ۵۰ تا ۱۰۰ تار مو در روز بخشی از چرخه طبیعی رشد مو به شمار می‌رود. با این حال، زمانی که ریزش مو شدید، ناگهانی یا طولانی‌مدت شود، می‌تواند نشانه‌ای از یک مشکل زمینه‌ای باشد که نیاز به بررسی دارد. نوجوانی یکی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی از نظر تغییرات جسمی و روانی است و همین موضوع باعث می‌شود ریزش مو در این سن دلایل متعددی داشته باشد. از تغذیه نامناسب گرفته تا استرس، تغییرات هورمونی و حتی عوامل ژنتیکی، همگی می‌توانند در این مسئله نقش داشته باشند.

تغذیه، سوخت اصلی رشد مو

مو برای رشد و حفظ استحکام خود به مواد مغذی متعددی نیاز دارد. در واقع فولیکول‌های مو از فعال‌ترین سلول‌های بدن هستند و کمبود مواد غذایی می‌تواند خیلی زود خود را به شکل نازک شدن یا ریزش مو نشان دهد. یکی از مشکلات رایج در میان نوجوانان، مصرف زیاد فست‌فودها و غذاهای فرآوری شده است. این نوع غذاها اگرچه کالری بالایی دارند اما از نظر ویتامین‌ها و مواد معدنی فقیر هستند. نوجوانی که بخش زیادی از وعده‌های غذایی خود را با پیتزا، ساندویچ، نوشابه و تنقلات جایگزین می‌کند، ممکن است به تدریج با کمبود مواد مغذی مورد نیاز مو روبه‌رو شود.

رژیم‌های سخت، دشمن خاموش موها

بسیاری از نوجوانان به ویژه دختران برای رسیدن به اندامی ایده‌آل به سراغ رژیم‌های غذایی سخت می‌روند. حذف وعده‌های غذایی، گرسنگی طولانی‌مدت یا حذف کامل برخی گروه‌های غذایی می‌تواند رشد طبیعی مو را مختل کند. وقتی بدن با کمبود انرژی مواجه می‌شود، منابع خود را به سمت اندام‌های حیاتی هدایت می‌کند و رشد مو در اولویت پایین‌تری قرار می‌گیرد. نتیجه این فرآیند، ضعیف شدن ریشه مو و افزایش ریزش آن است. به همین دلیل متخصصان تغذیه تأکید می‌کنند کاهش وزن باید تدریجی و همراه با دریافت کافی مواد مغذی باشد.

کمبود آهن عامل مهم ریزش مو در

دختران نوجوان

کمبود آهن یکی از شایع‌ترین دلایل ریزش مو در نوجوانان، به‌ویژه دختران است. با شروع دوران قاعدگی، نیاز بدن به آهن افزایش می‌یابد و در صورت تأمین نشدن این ماده معدنی، ذخایر آهن کاهش پیدا می‌کند. آهن نقش مهمی در انتقال اکسیژن به سلول‌های بدن دارد. زمانی که فولیکول‌های مو اکسیژن کافی دریافت نکنند، چرخه رشد مو دچار اختلال می‌شود و ریزش مو افزایش می‌یابد. احساس خستگی، رنگ‌پریدگی و کاهش تمرکز از دیگر نشانه‌هایی هستند که ممکن است همراه با کمبود آهن دیده شوند.